

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجرى
۰۵ دسمبر ۲۰۲۲

مصاحبه پیام فدائی با رفیق فریبرز سنجرى در باره خیزش اخیر

توضیح پیام فدائی: با تداوم خیزش انقلابی توده ها در ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، و مواضع و پراتیک نیروهای اجتماعى و سیاسى مختلف در مورد مسایل مربوط به این خیزش، پیام فدائی برخی از سوالات موجود را با رفیق فریبرز سنجرى از مسئولین چریکهای فدائی خلق در میان گذارده است که به این ترتیب در اختیار علاقه مندان و فعالین سیاسى قرار مى گیرد.

پیام فدائی: چریکهای فدائی خلق در تظاهراتی که در ۲۲ اکتبر در برلین و به دعوت حامد اسماعیلیون برگزار شد شرکت نکردند. با توجه به اینکه یکی از شعارهای این تشکیلات همواره این بوده که: "باید در جریان مبارزات توده ها در هر شکل و سطحی که باشد، قرار گرفت و آنرا ارتقاء داد". این پرسش طرح شده که اگر به این شعار باور دارید پس چرا در تظاهرات بزرگ برلین موسوم به "اکنون وقتش رسیده است" که تعداد زیادی از ایرانیان در آن حضور داشتند، شرکت نکردید؟

رفیق سنجرى: بلى، شعاری که به آن اشاره کردید، اعتقاد و از مواضع شناخته شده و یکی از شعارهای تشکیلات ماست. اما، عدم شرکت ما در تظاهرات برلین به معنای عدم قبول و یا عدم پایبندی به این شعار نیست. واقعیت این است که همه شعارها وقتی معنای واقعی پیدا می کنند که در بستر تحلیل مشخص از شرایط مشخص در نظر گرفته شوند. اگر چنین کنیم آنگاه به راحتی می توان فرق یک تظاهرات مردمی را با تظاهراتی که قدرتهای بزرگ در پشت آن قرار دارند را فهمید و قادر به موضع گیری درست شد. ببینید من فعلا کاری به تعداد شرکت کنندگان در این تظاهرات ندارم که گاه بصورت اغراق آمیزی آنرا چند برابر می کنند. اما اکثر فعالین سیاسى و فعالین کمونیست و چپ که در همه این سالهای طولانی تبعید، بار مبارزه با رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در خارج از کشور را بر دوش حمل می کردند و هنوز هم می کنند بر این امر واقفند که نیروهای انقلابی توان برگزاری تظاهرات بزرگی که در ۲۲ اکتبر در برلین برگزار شد را ندارند. این درست است که در شرایط انقلابی کسانی که هرگز در هیچ حرکت مبارزاتی شرکت نداشته اند هم ممکن است وارد صحنه شوند و آنها هم در آن تظاهرات شرکت کردند اما باید لحظه ای به این بیندیشید که چه قدرتهایی و چه دستهایی و با چه تبلیغاتی در پشت این حرکت قرار داشت که توانست شرایط آمدن یک نیروی

بزرگ را به صحنه آماده سازد! بنابراین، نباید چشم‌هایمان را بر قدرتهایی که پشت این حرکت بودند، و اهداف آنها ببندیم.

برای اینکه این بحث بهتر فهمیده شود بگذارید مثالی بزنم اگر فردا سلطنت طلبان که ماهیانشان بر کسی پوشیده نیست و همه می‌دانند که آلترناتیوی سرکوبگر و امپریالیستی هستند تظاهراتی برگزار کنند که به خاطر جو ساخته شده توسط رسانه‌ها تعداد قابل توجهی هم در آن شرکت کنند آیا می‌توان با تکیه بر همین شعار در چنین مضحکه‌ای شرکت کرد و دکان کسانی را رونق داد که هنوز به قدرت نرسیده از مرگ بر ارتجاع سرخ و مرگ بر فدائی و چپ سخن می‌گویند؟ به نظر من تحلیل مشخص، چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.

با این توضیح فکر می‌کنم با تأکید باید بگویم که عدم شرکت ما در تظاهرات برلین تصمیم درستی بود؛ و ناقض شعار "باید در جریان مبارزات توده‌ها در هر شکل و سطحی که باشد، قرار گرفت و آنرا ارتقاء داد" هم نبود.

پیام فدایی: برخی به این که این تظاهرات به دعوت حامد اسماعیلیون (یک فرد) بود اشاره می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

پاسخ: اجازه بدهید اول به این موضوع اشاره کنم که مردم ما و نیروهای سیاسی و فعالین سیاسی باید بدانند و به‌باور من خیلی از آنها بر این امر آگاه‌اند که وقتی توده‌ها در سراسر ایران در ابعاد وسیعی به خیابان می‌آیند و از همان روز اول نابودی جمهوری اسلامی را فریاد می‌زنند و زنان و جوانان چنان شجاعت و جسارتی از خود بروز می‌دهند که هم امروز خیلی‌ها را در سطح جهان شگفت زده کرده، روشن است که امپریالیستها یا به قول آنها که از این نام همچون "جن از بسم الله" گریزانند "قدرتهای بزرگ" و جهانی بیکار نمی‌نشینند. به همین دلیل هم آنها با مشاهده جنبش انقلابی مردم ما برای حفظ منافع خود در جهت آلترناتیو سازی تلاش می‌کنند. آنها آلترناتیو‌هایی که از سالهای قبل پر و بال داده‌اند را وارد صحنه می‌کنند و تا می‌توانند بادشان می‌کنند. حالا که در مورد اسماعیلیون پرسیدید. خوب است بپرسم مگر همین حامد اسماعیلیون را در آن تظاهرات "زنجیره انسانی" دست به گردن نخست‌وزیر کانادا ندیدیم؟ این واقعیات را که نمی‌شود لاپوشانی کرد. تازه این در ابتدای خیزش بزرگ مردم ماست. اگر این خیزش بیشتر پیش برود و سلطه جمهوری اسلامی را بیشتر به خطر بیندازد ما همچون تجربه افغانستان و عراق و سیاستهای ضد مردمی‌ای که امپریالیستها در این کشورها پیش بردند، چیزهایی خواهیم دید که شاید امروز باورشان برایمان مشکل به نظر برسد. برخی می‌گویند که تظاهرات برلین به دعوت حامد اسماعیلیون صورت گرفت. اما آنها دیگر نمی‌گویند که چه قدرتهایی پشت سر این فرد بودند و چطوری کسی که تا دیروز حداکثر یک اصلاح طلب بود که به راحتی به ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی رفت و آمد داشت، و به قول خودش حتی "سیاسی" هم نبود، ناگهان فراخوان دهنده تظاهراتی سراسری با شرکت تعداد زیادی از ایرانیان با گرایش‌های سیاسی مختلف شد! در سیاست شما نمی‌توانید یک روز چشم باز کنید و ببینید که سخنران اصلی میتینگ شده‌اید که بیشتر شرکت‌کنندگان حتی شما را به درستی نمی‌شناسند. نامبرده به دنبال موشک زدن جمهوری اسلامی به هواپیمای اوکراین که طی آن همسر و دخترش را از دست داد در "انجمن خانواده‌های جانب‌اختگان پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمای بین‌المللی اوکراین" که به دنبال این رویداد شکل گرفت فعالیت می‌کرد و خودش هم مدعی بود سیاسی نیست و فعالیت مدنی می‌کند. پس معجزه‌ای در کار نیست بلکه قدرت امپریالیستی که در پشت سر او قرار دارد را باید شناخت و همین‌طور متوجه شد که این فرد هر گذشته‌ای هم داشته امروز مجری پیشبرد خطوط سیاسی آن قدرت یا قدرتها می‌باشد.

پیام فدایی: برخی مدعی اند که با صف مستقل می شد و یا باید در این حرکت شرکت داشت و اساسا هم با همین استدلال حضور خود در این تظاهرات را توجیه می کنند در این مورد چه فکر می کنید؟

پاسخ: تظاهرات "وقتش رسیده" ۲۲ اکتبر (۲۰۲۲) در برلین یک نمایش "همه با هم" بود. خوب روشن است که چنین نمایشی به نفع آن نیروئی تمام می شود که قدرت تبدیل "همه با هم" به "همه با من" را داشته باشد. بنابراین، حرکت چنین جهتی دارد، دیگر مهم نیست که شما در کجای این حرکت ایستاده اید. این بحث مرا یاد مثالی می اندازد که در خرداد سال ۵۸ در مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی مطرح شد. در آن مصاحبه گفته شده است که وقتی قطار از تهران به مشهد می رود تو هر چقدر هم که در راهروی قطار بسوی تهران بدوی تغییری در مقصد نهائی قطار ایجاد نمی کند و تو هم به تهران خواهی رسید. شرکت در چنین تظاهراتی هم درست همین نتیجه را داشت؛ مهم نبود که شما با چه نیتی در آن شرکت می کنی و حتی چه شعاری می دهی کل حرکت به نفع سازمان دهندگانش و اهداف آنها تمام می شد. اما حالا که زمان تا حدی گذشته فکر می کنم حداقل برای چپ های شرکت کننده در چنین حرکتی "وقتش رسیده" باشد که واقع بینانه به آنچه که گذشت نظر انداخته و ببینند که این "صف مستقل" در عمل چه بر سرش آمد و از مستقل بودنش چه چیزی نصیبشان شد.

پیام فدایی: اما این سوال هم مطرح است که تظاهرات کانادا و برلین نشان داد که حامد اسماعیلیون که به هیچ گروه و حزب و سازمان سیاسی وابستگی ندارد توانست چنین جمعیت بزرگی را جمع کند. خوب در شرایطی که هیچ جریانی نیست که چنین جمعیتی را جمع کند چرا نباید از حرکات وی پشتیبانی کرد؟

پاسخ: فکر کنم که پاسخ این پرسش را قبلا دادم. چون چنین حرکتی اساسا کار یک فرد نبوده و نمی توانست باشد. کسانی که موضوع را به چنین سطحی تنزل می دهند در واقع ناتوانی خود در ارائه یک استدلال محکم و قوی را نشان می دهند. انسان باید به معجزه و امداد های غیبی معتقد باشد که مدعی شود کسی به تنهایی چنین حرکتی را سازمان داده است! آنهم کسی که ادعا می شود که "به هیچ گروه و حزب و سازمان سیاسی وابستگی" ندارد. همینجا تاکید کنم که اصلا بحث بر سر خود این فرد هم نیست که سیاسی ترین اهداف و خواستها را با ادعای سیاسی نبودن طرح می کند! بلکه بحث بر سر این است که باید قدرتهای پشت این حرکت که وی به آنها وابسته است را شناخت و فریب آلترناتیو سازی های امپریالیستی را نخورد. همین جا لازم می بینم تاکید کنم و بگویم که همه مساله این است که با سرنوشتی جمهوری اسلامی قرار است چه سرنوشتی در انتظار مردم ما باشد. آیا قرار است همان سناریوی سال ۵۷ تکرار شود؟ آیا باید سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته که ارتش سرکوبگر حامی اصلی آن می باشد باقی بماند؟ یا قرار است بعد از جمهوری اسلامی مردم ما واقعا به آزادی و دموکراسی و رفاه دست یابند؟ آیا باید اجازه داد که بار دیگر همانطور که با رفتن شاه، خمینی و جمهوری اسلامیش را بر مردم ما تحمیل کردند که همه ما ۴۳ سال است عواقبش را با درد و رنج حمل می کنیم، این داستان دوباره و البته به شکل دیگری اتفاق بیفتد؟ یعنی باز هم رژیمی بر سر کار آید که مثل رژیم شاه و جمهوری اسلامی تسه از گرده مردم بکشد یا قرار است مردم آزادی خود را در یک شرایط دموکراتیک آزادانه جشن بگیرند و ایرانی بسازند آزاد و مستقل که فقر و فلاکت و استبداد و بیداد از آن رخت برکنند و نان و کار و رفاه برقرار شود؟ در آخر این را هم اضافه کنم که اصولی و منطقی نیست که چون سازمانهای انقلابی توان سازماندهی فلان تظاهرات یا فلان جنبش را ندارند پس می توان به هر جریانی متوسل شد و همچون فرد در حال غرق شدن در دریا، به هر وسیله ای دست آویخت و هدف اصلی را فدای ناتوانی لحظه کنونی کرد.

پیام فدایی: با توجه به توضیحات شما در اوضاع و احوال کنونی آیا باید در حرکاتی که در خارج از کشور شکل می گیرد شرکت نمود یا باید تنها در تظاهراتی شرکت کرد که صرفاً توسط نیرو های خودی سازمان می یابد؟

پاسخ: از صحبت من چنین برداشتی نباید کرد که ما معتقدیم که تنها باید در تظاهراتی که خودمان سازمان داده ایم شرکت کرد. آنچه که مورد تاکید من قرار گرفت مرزبندی با نیرو های ضد انقلابی و آلترناتیو های امپریالیستی بود. وگرنه ما همواره حاضر به همکاری با نیرو های انقلابی و مترقی و شرکت در آکسیونهای مشترک با آنها بوده و هستیم. اگر نگاهی به فعالیتهای فعالین سازمان ما در کشورهای مختلف بیندازید موارد متعددی از این نوع همکاری را خواهید دید. همانطور که بار ها مطرح کرده ایم به شرطی که حرکتی از سوی نیرو های انقلابی (و البته، نه ضد انقلابیونی که دستشان به خون مردم آلوده است و یا آنهایی که مجری سیاست های امپریالیستی هستند و در تلاش اند تا با دخالت آنها به قدرت برسند) شکل بگیرد ما حاضر به همکاری و شرکت در چنین حرکاتی هستیم. اما لازم است تاکید کنم که اتفاقاً تجربه نشان داده که آنهایی که سنگ "همه با هم" را به سینه می زنند به راحتی آماده اند که جلوی نمایش بنر ها و پرچم ها و شعار های نیرو های انقلابی را بگیرند و حتی گاه شعار "نان، کار، آزادی" که منعکس کننده خواست کارگران و زحمتکشان ایران است را شعاری کمونیستی نامیده و فریادش را در تظاهرات خود ممنوع کرده اند. به هر حال همانطور که فعالین چریکهای فدائی خلق در عمل و در کشورهای مختلف نشان داده اند ما دستانمان را برای فشردن دستانهای نیرو های انقلابی برای اتحاد علیه دشمن مشترک دراز می کنیم و آماده اتحاد عمل با آنها هستیم.

پیام فدایی: شما به اتحاد عمل های مبارزاتی اشاره کردید اما این روز ها در همه جا از اتحاد به طور کلی صحبت می شود. آیا شما آماده اتحاد با نیرو های دیگر هستید؟

پاسخ: کدام اتحاد؟ اتفاقاً آنچه امروز زیاد شنیده می شود نه اتحاد بلکه "همه با هم" است. همان "وحدت کلمه" که خمینی با توسل به آن مردم را فریب داده و کارش را پیش برد. آن موقع می گفتند بگو "مرگ بر شاه" بقیه مسائل بعد از رفتن شاه درست می شود و دیدیم که نتیجه آن چه شد. اتفاقاً ما طرفدار سر سخت اتحاد نیرو های انقلابی هستیم و معتقدیم که باید تا جایی که توان داریم در این راستا تلاش کنیم. اما روشن است که وقتی از اتحاد صحبت می کنیم منظورمان اتحاد با نیرو های ضد انقلابی نیست. چون چنین اتحادی عملاً نقض غرض است. اتفاقاً امروز آنهایی که با تکیه بر ضرورت اتحاد، نیرو های انقلابی را به "فرقه گرایی" و "سکتاریسم" متهم می کنند منظورشان از اتحاد، همکاری با نیرو های ضد انقلابی است و بر این اساس نزدیکی با سلطنت و یا دیگر آلترناتیو های امپریالیستی را پیشه خود ساخته و به نام اتحاد، سیاهی لشکر صف "همه با هم" شدن را برگزیده اند. در حالی که لازم است اتحادی شکل بگیرد که بتوان با نیروی بیشتری نیرو های ضد مردمی را از صحنه کنار زد. ما در حالی که همواره از اتحاد نیرو های انقلابی پشتیبانی کرده و می کنیم اما مخالف سر سخت "همه با هم"ی هستیم که یک بار مردم ما چوبش را خورده اند و معنای آن جز همکاری با نیرو های ضد انقلابی نیست. بگذارید همین جا اشاره کنم که نمونه روشنی از همکاری با نیرو های ضد انقلابی البته با ادعای اتحاد، همکاری جریان حزب کمونیست کارگری با سلطنت طلبان می باشد، حزب معلوم الحال پرو امپریالیستی که افتخارش این است که اعضایش در برخی تظاهرات ها در یک دست پرچم سلطنت دارند و در دست دیگر پرچم حزب کمونیست کارگری. جریانی که رسوا تر از آنست که بر کسی پوشیده مانده باشد. اینها سالهاست که دست در دست سلطنت طلبان دارند علیه کمونیسم واقعی لجن پراکنی می کنند. بی خود نیست که نیرو های انقلابی و کمونیستها آنها را یک جریان شتر گاو پلنگی به حساب می آورند که نه حزب هستند و نه کارگری و نه کمونیست. این

جریان تنها دنبال آن است و به هر تلاشی متوسل می شود تا به عنوان یک "حزب مدرن" پرو امپریالیست اگر رژیم چنجی شکل گرفت، تکه استخوانی هم به آنها داده شود.

پیام فدایی: اما شما اتحاد عمل های مبارزاتی مورد نظرتان را توضیح ندادید؟

پاسخ: همانطور که از نام اتحاد عمل مشخص است. منظور ما از این عبارت، متحد شدن در رابطه با حرکت های مبارزاتی است. ما معتقدیم که نیرو های انقلابی باید و می توانند با هم آکسیون های مشترک برگزار کنند و به این وسیله نیروی بیشتری را علیه جمهوری اسلامی به صحنه بیاورند. این را هم بگویم که تجربه نشان داده است که چنین اتحادهایی همواره با مشکلاتی عملی مواجه می شود که خودمی تواند به بستری برای مبارزه ایدئولوژیک نیروهایی که در عمل با هم متحد شده اند، بدل شده و اتحادشان را مستحکم تر سازد. نیازی نیست که ما اگر با نیروئی وارد یک اتحاد عمل مبارزاتی می شویم فکر کنیم و یا چنین جلوه دهیم که به وحدتی پایدار دست یافته ایم. ولی چنین همکاری هایی می تواند بستر نزدیکی های آینده و گسترش اقدامات عملی مبارزاتی علیه دشمنان توده ها گردد. البته این همکاری ها نیازمند انعطاف های لازم و صرف انرژی می باشد که اگر درست با آن برخورد شود به نتیجه مثبتی هم دست می یابیم. سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی به قدرت توده ها و مخالفت با هر گونه دخالت های امپریالیستی در امور جامعه ایران و مرزبندی با نیروهایی که دستشان به خون مردم ما آلوده است شروط حداقلی است که می توان حول آنها به اتحاد عمل دست یافت.

پیام فدایی: در برنامه شما برای اتحاد عمل، توده ای ها و اکثریتی ها در کجا قرار می گیرند؟

پاسخ: همکاری با نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی علیه نیرو های انقلابی بخشی جدائی ناپذیر از کارنامه ننگین توده ای ها و اکثریتی ها است. آنها از جمهوری اسلامی در کار سرکوب خونین کارگران و ستمدیدگان پشتیبانی کرده و برای شکوفائش سینه زده اند. در این سالها گاه گفته می شد یا برخی از آنها می گفتند که سالهاست که همکاری آنها با جمهوری اسلامی پایان یافته و آنها هم تغییر کرده اند. اما در واقعیت این نیرو ها بطور واقعی و در طول زمان هرگز نتایج خونین سیاست همکاری با جمهوری اسلامی خود را مورد نقد قرار نداده اند. تازه، به رغم همه تحولاتی که در صفوفشان رخ داده چشم شان همواره به جمهوری اسلامی است و امید اصلاح آن را داشته اند و در این رابطه به قول خودشان "سیاست ورزی" می کنند. توده ای ها و اکثریتی ها اگر در دهه ۶۰ با وقاحت تمام برای شکوفائی جمهوری اسلامی سینه زده و نیرو های انقلابی را لو می دادند در سال های بعد پرچم دار اصلاح دیکتاتوری حاکم شدند. اینها هرگز خیانت های خود را نقد نکردند و به جای آن در زمان های انتخابات در سفارت های جمهوری اسلامی برای رنگی کردن انگشت خبثت حضور یافته اند تا بین سگ زرد و شغال که هردو برادرهم هستند یکی را انتخاب کنند. به واقع اگر برنامه ها و سیاستهای این جریانات را بررسی کنیم آنها را باید بخشی از طبقه ضد انقلابی حاکم بدانیم. بنابراین چنین نیرو هایی جایی در برنامه اتحاد ما نداشته و ندارند. همانطور که گفتیم ما معتقد به همکاری و اتحاد با نیرو های انقلابی می باشیم.

پیام فدایی: با تشکر از شما پرسش های ما پایان یافت اما اگر موردی هست که می خواهید بیشتر روی آن تاکید کنید بفرمائید.

پاسخ: متقابلاً از رفقائی که این گفتگو را سازمان دادند سپاسگزارم . در خاتمه مایلیم بر این نکته تاکید کنم که نباید فراموش کرد که امپریالیستها و طبقه حاکمه در ایران هرگز در مقابله با خیزش انقلابی‌ای که ایران را فرا گرفته بی تفاوت و بی‌کار باقی نمی‌مانند. باید هوشیار بود و دانست که آنها به هر وسیله ای متوسل می‌شوند تا این خیزش منافع آنها در ایران را به خطر نیندازد. به همین دلیل هم تا جایی که می‌توانند از جمهوری اسلامی به عنوان بهترین وسیله سرکوب توده‌ها سود می‌جویند و در همان حال خود را برای اوضاع و احوالی که سرکوب جمهوری اسلامی کارائی خود را از دست بدهد هم آماده می‌کنند . همان طور که ما همواره گفته ایم آنها با رژیم‌های دست نشانده‌شان دوستی همیشگی ندارند بلکه منافع همیشگی دارند. به همین دلیل هم این دشمنان اصلی مردم ایران، سرنوشت منافعشان را با سرنوشت نوکرانشان گره نمی‌زنند و در حالیکه همه وسائل سرکوب را در اختیار جمهوری اسلامی می‌گذارند اما از باد کردن به جثه دار و دسته‌های دیگر هم به عنوان آلترناتیو باز نمی‌مانند. بنابراین مردم ما باید دشمنان خود را در چهره‌های مختلف بشناسند و یکی از معیار های این کار این است که ببینند نیروی مدعی جایگزینی جمهوری اسلامی در مورد نظم ظالمانه موجود و ارتش ضدمردمی به عنوان عامل اصلی تداوم این نظم قرار است چه بکند؟ آیا آنها را حفظ خواهد کرد یا نه.

باید به خاطر سپرد که وقتی از آزادی مردم صحبت می‌شود، این آزادی وابسته است به رهایی از اسارت سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که طبقه حاکم در ایران را شکل می‌دهد. بنابراین معیار تشخیص اینکه چه نیروئی مردمی است و در جهت منافع مردم گام بر می‌دارد درست همین است که ببینیم با نظم ظالمانه موجود و ارتش ضدمردمی قرار است چه کند. چون بدون نابودی آنها از آزادی هم خبری نخواهد بود. به امید سرنوشتی جمهوری اسلامی و دستیابی به آزادی و دموکراسی و جامعه‌ای فارغ از ظلم و ستم و استثمار که بیش از صد سال است مردم ما برایش مبارزه می‌کنند. پیروز باشید.